

عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی

(مطالعه موردی: کردستان)^۱

دکتر سیدیحیی صفوی^۲ و دکتر عباس علی‌پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۰/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۴/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها، منطقه کردستان را در طی سال‌های بعد از انقلاب به یک منطقه بحرانی تبدیل نموده است. این پژوهش به بررسی و سنجش بحران‌های قومی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد و همچنین نقش هر یک از این عوامل بحران‌ساز را در شکل‌دهی به ایجاد بحران بررسی می‌کند.

روش: این پژوهش به لحاظ ماهیت و روش در زمره تحقیقات علی (پس‌رویدادی) است. جامعه آماری، کارشناسان مسائل قومی کردستان ساکن در تهران بودند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه (محقق‌ساخته) در طیف مقیاس لیکرت طراحی شد که پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. یافته‌ها: در مجموع، عوامل و مؤلفه‌های متعددی در ایجاد بحران‌های قومی در این منطقه نقش داشته‌اند. مهم‌ترین عوامل بروز بحران قومی در کردستان به ترتیب عبارت بودند از: نقش نخبگان، دخالت نیروهای خارجی و شرایط خاص دوران گذار. به لحاظ مؤلفه‌های چهارگانه به ترتیب عبارتند از: مؤلفه‌های سیاسی امنیتی، اجتماعی و فرهنگی، جغرافیایی طبیعی و نهایتاً مؤلفه‌های اقتصادی.

نتیجه‌گیری: با شناخت عوامل و مؤلفه‌های بحران‌ساز، یک استراتژی کلان، در سه بخش (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت) را می‌تواند تا بتوان اثرات بحران را کاهش داد. توجه به عوامل اجتماعی - فرهنگی و اشتراکات قوم کرد با مرکزیت کشور و ایجاد زمینه برای توسعه منطقه و تلاش در جهت ایجاد فقرزدایی در کنار راهکارهای سیاسی و امنیتی کارگشا خواهد بود.

کلیدواژه:

مدیریت بحران‌های قومی Tribal crisis management، بحران Crisis، کردستان Kurdistan، اقوام کرد Kurdish tribe، نخبگان Elite، امنیت Security، ایران Iran، مناطق قومی Tribal areas.

□ استناد: صفوی، سیدیحیی؛ علی‌پور، عباس (۱۳۹۰). تابستان. عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان). فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۶(۲)، ۱۹۴-۲۰۷.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری سال ۱۳۹۰ است.

۲. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع). (نویسنده مسئول) aivan31@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

یکی از عمده‌ترین چالش‌های اساسی در جوامع بشری، مشکلات ناشی از مسائل قومی و اقلیت‌ها است که همواره به‌عنوان معضلی اساسی مطرح بوده است. به عبارت دیگر جوامع قومی به تناسب برجستگی‌های قومیتی مستعد خشونت، درگیری و بحران هستند. (کاظمی‌تاری، ۱۳۸۹، ص ۷۳). به طور کلی اگر این بحران‌ها را با دو سرمنشأ اصلی محیطی و غیرمحیطی تقسیم‌بندی کنیم: عوامل غیرمحیطی شامل فرهنگ (الطایی، ۱۳۸۲، ص ۵۸)، دین و ایدئولوژی (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۰، ص ۲۳) و عوامل محیطی شامل محیط داخلی (عوامل سیاسی، روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی) و عوامل محیط خارجی است.

نکته مهم در زمینه تنش‌ها و بحران‌های قومی این است که تشدید درگیری‌های قومی بسیار راحت‌تر از کاهش آن قابل درک است. (تیموثی، ۱۳۷۹، ص ۵۹). به عبارت دیگر در بسیاری از درگیری‌های قومی، خشونت مشکلی دوره‌ای یا تکرارپذیر است. از این جهت، چون اکثر بحران‌های قومی با خشونت همراه هستند، مدیریت مناقشات قومی اقتضاء می‌نماید که سر منشأ و ریشه‌ها و علل بروز بحران قومی را شناخت تا بتوان با ایجاد مدیریت مناقشات قومی، شدت بحران را تقلیل داده و یا از بین برد.

در زمینه بحران‌های قومی در مناطق قوم‌نشین نظریات متعددی ارائه شده است و هر رشته علمی متناسب با تخصص خود، مسائل قومی را از یک زاویه خاص نگریسته است. به طور کلی جامعه‌شناسان به جنبه‌های ساختاری جامعه و مسائل ناشی از آن، جغرافی‌دانان سیاسی به نقش مسائل جغرافیایی و انسانی منطقه، علوم سیاسی به مواردی همچون نقش نخبگان قومی و مشروعیت نظام سیاسی، روان‌شناسان به مسائل روانی جامعه اشاره داشته‌اند. بنابراین یکی از ضعف‌های مطالعات قومی، تک‌بعدی نگریستن به علل بروز بحران قومی در یک منطقه خاص است. این نکته باعث می‌شود که هر یک از رشته‌های علمی متناسب با تخصص و حیطه مطالعاتی خود یک یا چند بعد از موضوع را شکافته و از سایر عوامل و ریشه‌ها مغفول مانده است.

یکی از ویژگی‌های جوامع متکثر، فراهم بودن بستر و زمینه کافی برای طرح مطالبات و خواسته‌های مختلف از جانب گروه‌های مختلف سیاسی و قومی است که در صورت عدم ساماندهی به تعارض و گسیختگی اجتماعی منجر می‌شود. ایران کشوری کثیرالقوم است و از تنوع دینی، مذهبی و قومی، زبانی و فرهنگی برخوردار بوده و در مقایسه با ۲۰۰ کشور یا واحد جغرافیایی سیاسی فعلی جهان، به طور نسبی از بیشترین گوناگونی برخوردار است (شانه‌چی، ۱۳۸۰، ص ۳۶). به تبع این وضعیت، از یک سو شاهد تکرر مذهبی، فرهنگی و هویتی و از سوی دیگر با تقاضاهای سیاسی - اجتماعی و اقتصادی با منشأ قومی مواجه شده است، به‌گونه‌ای که هر یک از این دو دسته عوامل مذکور به صورت بالقوه می‌تواند به منبع مهمی برای بروز

تنش‌های قومی و تهدید انسجام ملی تبدیل گردند (میرمحمدی، ۱۳۸۰، ص ۹۳). اما چنانچه با دیدی همه جانبه به مسئله بحران‌های قومی در ایران و به‌ویژه کردستان بعد از انقلاب نگریسته شود، بحران در این منطقه معلول یک یا چند عامل خاص نبوده است، بلکه مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها، این منطقه را در طی سال‌های بعد از انقلاب به یک منطقه بحرانی تبدیل نموده است. این مقاله، درصدد شناخت ریشه‌ها بحران‌های قومی در کردستان ایران با دیدی جامع‌نگر و استفاده از تمامی نظریات مطرح شده درباره این مسئله است. سؤال اصلی تحقیق این است که بحران‌های قومی بعد از انقلاب در این منطقه ریشه در چه عواملی داشته است؟ هر کدام از این عوامل و مؤلفه‌ها از چه وزنی برخوردار بوده‌اند؟

در زمینه علل بروز مسائل قومی در ایران مطالعات متعددی صورت گرفته است، احمدی (۱۳۷۸) سه عامل دخالت بیگانگان، ضعف دولت مرکزی و فعالیت نخبگان قومی را در رشد جریان‌های قومی مؤثر می‌داند (ص ۹۳). مقصودی (۱۳۸۲) علاوه بر سه عاملی که توسط احمدی مطرح شدند به گزینش عقلانی، احساس محرومیت نسبی، نقش آفرینی ابرقدرت‌ها، ساخت نابرابر اجتماعی، موقعیت جغرافیایی خاص (محل استقرار، اقتضائات دوران گذار در عرصه داخلی و ساخت نظام بین‌الملل توجه کرده است. مقصودی این عوامل را در درجه دوم به فرایند توسعه، سلطه قومی و قطبی شدن جامعه، برتری نژادی قومی، توسعه ناموزون و روابط ناعادلانه مرکز - پیرامون، تصورات و پیش‌داوری‌های قالبی، ناسیونالیسم قومی، نقش استعمارگران، حمایت‌های منطقه‌ای و فرایند توسعه می‌داند. ایشان در درجه سوم: متغیرهای روان‌شناختی را مثل ناکامی، برون‌فکنی، یادگیری اجتماعی تقلیل داده است (ص ۲۲۶). صالحی‌امیری (۱۳۸۵) علل و زمینه‌های اصلی بروز مسائل قومی و کنونی در ایران را فقدان استراتژی الگوی منسجم و پایدار و عدم واقع‌گرایی در مدیریت مسائل قومی در ایران مربوط دانسته است که در سه فرآیند محلی، ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است و در نهایت موجب انباشت و تراکم تقاضاهای قومی، نارضایتی اقوام از وضع موجود و نهایتاً بروز مسائل قومی شده است (ص ۱۱۲). حاجیانی علت اصلی بروز مسائل قومی در شرایط کنونی را فقدان سیاست قومی و استراتژی معین برای پیگیری وحدت ملی در ایران از سوی نظام سیاسی می‌داند (حاجیانی، ۱۳۸۰، ص ۴۵)، امیراحمدی (۱۳۷۱)، جنبش‌های قومی را محصول عوامل ذهنی - عینی دستاوردهای مورد انتظار و توافق گروه‌های قومی با همدیگر می‌داند. جلالی‌پور (۱۳۷۲) در مقاله فراز و فرود جنبش‌های کردی (۱۳۵۷ - ۱۳۶۷) عوامل زیر را در بحران‌های کردستان مهم شمرده است: تضعیف نظام عشایری، وجود فرهنگ متمایز، سودای خودمختاری به عنوان یک ملت، سقوط نظام پهلوی، سست بودن پایه‌های اداری امنیتی در منطقه، دوران گذار، عدم اعتماد طرفین، وضعیت کوهستانی منطقه، و در نهایت محرومیت اقتصادی (جلالی‌پور، ۱۳۷۲، ص ۸۹).

مبانی نظری پژوهش: سنخ‌شناسی (تیپولوژی) قومی، به منظور درک ابعاد و پیامدهای استقرار نظم اجتماعی و مدیریت جامعه در واحدهای سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درک و شناخت اینکه یک دولت چگونه و بر اساس چه اصولی می‌تواند مدیریت را در یک جامعه چند قومی اعمال نماید، یکی از ضروری و اصلی‌ترین مسائل مدیریت بحران محسوب می‌شود. بنابراین، شناخت علل خشونت‌های قومی و مذهبی و تیپولوژی آن‌ها بر اساس نوع، ماهیت، ابعاد و انگیزه‌ها و همچنین یافتن راه‌حلی درست در جهت مهار و اداره این گونه درگیری‌ها و بحران‌ها از لوازم و اهداف مدیریت کشور است.

جامعه‌شناسان برای تبیین همبستگی و بحران‌های قومی عمدتاً بر جنبه‌های ساختاری جامعه، انحصار موقعیت‌های اجتماعی، توسط اعضای یک گروه، توزیع نابرابر و غیرعادلانه فرصت‌ها و تبعیض اجتماعی، تاکید نموده‌اند. علمای علم سیاست و نظریه‌پردازان حوزه علوم سیاسی بیشتر بر نقش نخبگان، الیت‌ها و نخبگان فکری و قومی در ایجاد همبستگی قومی تاکید داشته و میزان مشارکت قومیت‌ها در قدرت و پذیرش مشروعیت سیاسی قوم مسلط و علایق قومی در تشکیل دولت ملی را از جمله متغیرهای عمده موجد همبستگی و مسائل قومی می‌دانند.... جغرافی‌گرایان قلمرو جغرافیای سیاسی را که هر قوم در آن به سر می‌برند و میزان امکاناتی که آن قلمرو برای اعلام موجودیت در اختیار اقوام قرار می‌دهد، شکل هندسی کشور، ناهموازی‌ها، ارتفاعات و عوارض طبیعی صعب‌العبور که مانع برقراری ارتباطات میان بخش‌های مختلف کشور می‌گردد و همچنین تفاوت‌های محیطی و تأثیر آن‌ها بر همبستگی ملی را مد نظر قرار می‌دهند. (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵، ص ۸۰).

روانشناسان اجتماعی با متمرکز ساختن توجه خود بر افراد و گروه‌های تعاملی کوچک در پی یافتن شیوه‌هایی هستند که به مردم یا گروه‌ها و ملت‌ها مرتبط می‌گردند. همچنین در رویکرد روانشناسان اجتماعی رابطه فرد با نظام سیاسی و دولت و قومیت خود و مقوله نیاز از جمله مفاهیمی هستند که مورد توجه قرار دارند. عمده‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی بحران قومی را می‌توان در نظریه محرومیت نسبی نظریه تد رابرت گر (۱۹۶۵)،^۱ گوبوگلو،^۲ نظریه استعمار داخلی هشتر،^۳ نظریه مبادله پیتر بلا، نظریه محرومیت نسبی و نسبت دادن رانی مان (رفیع پور، ۱۳۶۴، ص ۲۰)، نظریه سرایت^۴ گرونبرگ،^۵ نظریه تعصب، پیش‌داوری و بروز خشونت‌های قومی دیوید مایر، نظریه حمایت‌های نهادی، نظریه منابع احساسی تعصب، نظریه

1. Robert Gurr, 196۵

2. Guboglo

3. Hechter

4. spill-over theory

5. Gruneberg

ناکامی - ستیزه جویی دولاری،^۱ نظریه هویت جویی اسمیت (امیراحمدی، ۱۳۷۱، ص ۵۶) از جمله نظریات در حوزه جامعه‌شناسی هستند.

نظریه‌های سیاسی بحران قومی عبارتند از: نظریه دولت - ملت بوئرز، نظریه عوامل ذهنی - عینی، نظریه ایسمن، نظریه نمادگرایی، نظریه ازل‌گرایی، نظریه هماهنگی گروهی کومارف، نظریه استفاون هاگن (گروه اکثریت قدرت و منابع حکومت را در دست گیرد)، نظریه آکلائف سه عنصر ماهیت سیاسی تحركات قومی، تغییرات سریع سیاسی اجتماعی همراه با بحران مشروعیت سیاسی در نظام حاکم نقش کلیدی ایفا می‌کنند. نظریه هیزکیا آصفا (به نقش نخبگان قومی را در ایجاد درگیری مهم می‌داند) (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵، ص ۷۹-۹۹).

هدف اصلی از این پژوهش، شناخت علل بروز بحران قومی در استان کردستان است. زیرا با شناخت دقیق آن‌ها می‌توان برنامه‌ریزی جامعی را در این مناطق پیاده ساخت.

روش

این پژوهش به لحاظ ماهیت و روش در زمره تحقیقات علی (پس‌رویدادی) است. بدین معنی که در این‌گونه تحقیقات کشف علت‌ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه مورد نظر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۷۱). روش تجزیه و تحلیل داده‌ها پیمایشی و ابزار سنجش و گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای در مقیاس لیکرت (مقیاس ترتیبی) است. تکنیک لیکرت مقیاس ترتیبی به بار می‌آورد. این مقیاس، تحت شرایطی پایایی بالایی دارد. نمره مقیاس شامل اندازه شدت نگرش ابراز شده در تمام گویه‌هاست (میلر، ۱۳۸۰، ص ۲۰۸). روش نمونه‌گیری انتخابی (از نخبگان و کارشناسان مسائل قومی) و نمونه آماری کلیه پژوهشگران و متخصصین مسائل قومی مرتبط با کردستان بوده است که در مجموع ۱۵۰ نفر تخمین زده شدند. از این تعداد طبق مدل کوکران حجم نمونه کمتر از ۳۰ نفر به‌دست آمد. بنابراین، ابتدا ۵۰ پرسشنامه توزیع گردید. علت بالاتر بودن حجم نمونه، عدم پاسخگویی احتمالی نمونه‌ها بود. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های پاسخ داده شده در نهایت ۴۰ عدد مورد تایید نهایی و جهت پردازش در محیط نرم افزار SPSS وارد گردید. جهت تعیین روایی و پایایی پرسشنامه محقق ساخته ابتدا در بین ۲۰ نفر مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. پس از تایید نهایی و حذف گویه‌های نامتجانس، در نهایت پرسشنامه نهایی با ۲۰ گویه بین نمونه‌ها توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های نهایی ابتدا تمامی پرسشنامه‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS وارد شد و از طریق آن میزان تأثیرگذاری متغیرها طیف‌بندی شدند. شیوه طیف‌بندی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. طیف‌بندی متغیرهای تأثیرگذار در ایجاد بحران‌های قومی

متغیرها	طیف
تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آن‌ها مساوی با ۱۶۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۲۰۰ امتیاز بوده است.	طیف (۱): متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری خیلی بالا:
تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آن‌ها مساوی با ۱۲۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۱۵۹ امتیاز بوده است.	طیف (۲): طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری بالا
تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آن‌ها مساوی با ۸۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۱۱۹ امتیاز بوده است.	طیف (۳): طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری متوسط
تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آن‌ها مساوی با ۴۱ امتیاز و بیشتر تا میزان ۷۹ امتیاز بوده است.	طیف (۴): طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری کم
تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آن‌ها مساوی با ۴۰ امتیاز باشد.	طیف (۵): طیف متغیرهای با قدرت خیلی کم

نحوه تحلیل طیف‌بندی‌ها:

- **طیف (۱):** عوامل تأثیرگذار با قدرت خیلی زیاد (شدید): در این طیف مجموعه عواملی قرار گرفته‌اند که دارای تأثیرگذاری خیلی زیادی هستند. چنانچه مجموع نفرات (۴۰ نفر) را در میانگین گزینه زیاد (۴ امتیاز) ضرب شوند، تمامی گزینه‌هایی که ۱۶۰ امتیاز و بیشتر کسب کرده‌اند در این طیف قرار می‌گیرند.
- **طیف (۲):** عوامل تأثیرگذار با قدرت زیاد: در این طیف مجموعه عواملی قرار گرفته‌اند که دارای تأثیرگذاری زیاد هستند، چنانچه مجموع نفرات (۴۰ نفر) را در میانگین گزینه متوسط (۳ امتیاز) ضرب شوند، تمامی گزینه‌هایی که ۱۲۰ امتیاز و بیشتر کسب کرده‌اند در این طیف قرار می‌گیرند. (تا ۱۵۹ امتیاز)
- **طیف (۳):** عوامل تأثیرگذار با قدرت متوسط: در این طیف مجموعه عواملی قرار گرفته‌اند که دارای تأثیرگذاری متوسطی هستند. چنانچه مجموع نفرات (۴۰ نفر) را در میانگین گزینه کم (۲ امتیاز) ضرب شوند، تمامی گزینه‌هایی که ۸۰ امتیاز و بیشتر کسب کرده‌اند در این طیف قرار می‌گیرند. (تا ۱۱۹ امتیاز)
- **طیف (۴):** عوامل تأثیرگذار با قدرت کم: در این طیف مجموعه عواملی قرار گرفته‌اند که دارای تأثیرگذاری کمی هستند. چنانچه مجموع نفرات (۴۰ نفر) را در میانگین گزینه خیلی کم (۱ امتیاز) ضرب شوند، تمامی گزینه‌هایی که ۴۱ امتیاز و بیشتر کسب کرده‌اند در این طیف قرار می‌گیرند. (تا ۷۹ امتیاز)
- **طیف (۵):** عوامل تأثیرگذار با قدرت خیلی کم: در این طیف مجموعه عواملی قرار گرفته‌اند که از لحاظ تأثیرگذاری بی‌اثر شناخته شده‌اند. یعنی مجموعه متغیرهایی که ۴۰ امتیاز کسب نموده‌اند. البته باید توجه داشت کمترین امتیاز کسب شده توسط یک متغیر مساوی ۴۰ امتیاز است، اما از آنجا که ممکن

بود برخی پرسش‌شوندگان به گزینه‌ای پاسخ نداده باشند در تجزیه و تحلیل آماری آن گزینه صفر در نظر گرفته می‌شود (البته در تمامی پرسشنامه‌ها با چنین گزینه‌ای روبرو نبودیم و در یک مورد که بی پاسخ مانده بودند با مراجعه مجدد به پرسش شونده پاسخ کلیه سؤالات دریافت گردید).

قابل ذکر است که نحوه تأثیرگذاری طیف‌ها، طوری است که هرچه از طیف ۱ به سمت طیف‌های بالاتر حرکت کنیم، از شدت و تأثیرگذاری طیف‌ها کاسته می‌شود. به طوری که طیف ۱ از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طیف ۲ و طیف ۲ از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طیف ۴ برخوردار است و نهایتاً ضعیف‌ترین آن‌ها، طیف ۵ است.

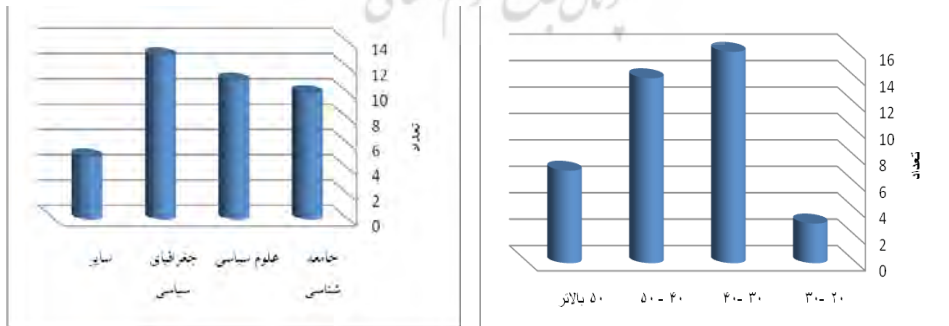
یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت‌شناختی پاسخگویان: تحصیلات، شغل، سن و رشته تحصیلی پاسخگویان در نمودارهای ۱ تا ۴ نشان داده شده است. [نوشته‌های بالای همه نمودارها (به طور مثال، تعداد پاسخگویان به لحاظ تحصیلات) حذف شوند]



نمودار ۲: فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل

نمودار ۱: فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات



نمودار ۴: فراوانی پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی

نمودار ۳: فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

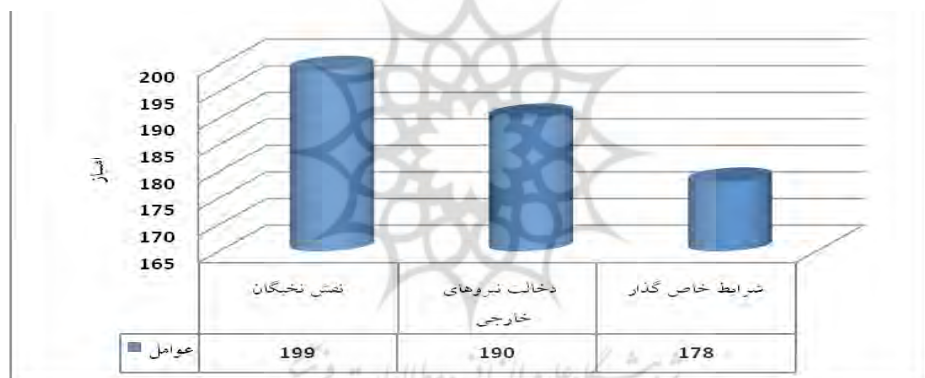
(ب) نتایج نهایی طیف‌بندی در عوامل تأثیرگذار بر بحران‌های قومی در کردستان:

جدول ۲. نتایج نهایی طیف‌بندی در عوامل تأثیرگذار بر بحران‌های قومی در کردستان

طیف	عوامل	امتیاز هر عامل	امتیاز کل طیف	% طیف به کل
۱	۱. نقش نخبگان قومی و غیرقومی	۱۹۹	۵۶۷	۲۲/۹۰
	۲. دخالت نیروهای خارجی	۱۹۰		
	۳. شرایط خاص انتقال و سپری شدن دوران گذار ناشی از انقلاب	۱۷۸		
۲	۱. موقعیت ژئوپلتیکی و امتدادیافتگی در آن سوی مرز	۱۵۳	۱۱۲۱	۴۵/۲۹
	۲. رشد ناسیونالیسم قومی	۱۵۰		
	۳. پیشینه قومی (نمادنگاری قومی)	۱۴۸		
	۴. محرومیت نسبی (با دید اقتصادی)	۱۴۸		
	۵. کسب هویت قومی و رسمیت بخشیدن به آن	۱۴۳		
	۶. تعارضات به وجود آمده ناشی از روند نوسازی و توسعه	۱۲۷		
	۷. نبود تعاملات سازنده رژیم گذشته و کردستان و عدم احساس دلبستگی به مرکز کشور	۱۲۷		
	۸. تضعیف نظام عشایری و وجود فرهنگ متمایز	۱۲۵		
۳	۱. بی‌عدالتی جغرافیایی و توسعه نامتوازن	۱۱۸	۵۷۹	۲۳/۳۹
	۲. تبعیض اجتماعی و عدم توزیع فرصت‌ها و امکانات	۱۱۴		
	۳. رقابت بر سر منابع کمیاب (قدرت، ثروت، مقام)	۹۶		
	۴. سلطه قومی و ایجاد نارضایتی ناشی از آن	۸۹		
	۵. نارضایتی از شرایط زندگی فردی و اجتماعی	۸۲		
	۶. موقعیت جغرافیایی و کوهستان بودن منطقه	۸۰		
۴	۱. آموزه‌های مذهبی و تعصبات ناشی از آن	۷۳	۲۰۸	۸/۴۰
	۲. نقش رسانه‌ها	۷۰		
	۳. فرایند مدرنیزاسیون جامعه قبل از انقلاب	۶۵		
۵	*****	۰	۰	۰
میانگین		۱۲۳/۷۵	۴۹۵	
جمع		۲۴۷۵		۹۹/۹۸

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، اولین و تأثیرگذارترین عامل، از دید پاسخگویان گزینه نقش نخبگان قومی و غیرقومی است که در مجموع ۱۹۹ امتیاز کسب کرده است. دومین عامل تأثیرگذار در ایجاد بحران‌های قومی در کردستان از دید پاسخگویان، گزینه دخالت نیروهای خارجی بوده است. این عامل در مجموع ۱۹۰ امتیاز کسب نموده است. سومین عامل، گزینه شرایط خاص انتقال و سپری شدن دوران گذار ناشی از انقلاب با ۱۷۸ امتیاز بوده است. چهارمین عامل تأثیرگذار، گزینه موقعیت ژئوپلیتیکی و امتداد یافتگی در آن‌سوی مرز است. این گزینه ۱۵۳ امتیاز کسب نموده است. پنجمین عامل تأثیرگذار، رشد ناسیونالیسم قومی با ۱۵۰ امتیاز بوده است. ششمین عامل تأثیرگذار، پیشینه قومی (نمادنگاری قومی) با ۱۴۸ امتیاز است. سایر عوامل به ترتیب عبارتند از: کسب هویت قومی و رسمیت بخشیدن به آن، تعارضات ناشی از نوسازی، نبود تعاملات سازنده رژیم گذشته و عدم احساس دلبستگی، تضعیف نظام عشایری و قومی در منطقه، بی‌عدالتی جغرافیایی و توسعه نامتوازن و...

نمودار ۵. نقش عوامل تأثیرگذار در ایجاد بحران قومی در کردستان



نمودار ۶. مجموع امتیازات طیف‌های تأثیرگذار در ایجاد بحران قومی در کردستان



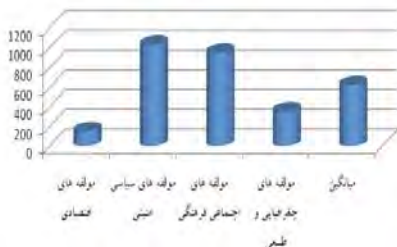
همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، طیف (۲) با ۱۱۲۱ امتیاز در مجموع ۴۵/۲۹٪ از عوامل تأثیرگذار را به خود اختصاص داده است. طیف (۳) با ۵۷۹ امتیاز در مجموع ۲۳/۳۹٪ در رتبه دوم قرار دارد. طیف (۱) با ۵۶۷ امتیاز در مجموع ۲۲/۹۰٪ و در نهایت طیف (۴) با ۲۰۸ امتیاز یعنی ۸/۴۰٪ از مجموع در رده بعدی قرار دارند. قابل ذکر است طیف (۵) هیچ‌گونه امتیازی را کسب نکردند. چنانچه از زاویه شدت تأثیرگذاری نقش عوامل مختلف را بر اساس طیف‌های ۵ خانه بسنجیم، طیف‌های ۱ و ۲ در مجموع با ۶۸/۱۹٪ در مجموع تأثیرگذار بوده‌اند که نشان از شدت بالای نقش این دو طیف در بحران‌های قومی در منطقه دارد.

تأثیرگذاری عوامل بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه: در فرآیند انجام تحقیق با یکسری عوامل و مؤلفه‌ها روبه‌رو هستیم. در این پژوهش، ۲۰ عامل شناخته‌شده مورد سنجش قرار گرفتند. اما مؤلفه‌ها یک سطح بالاتر و از مجموع چند عامل با ماهیت یکسان، شکل می‌گیرند؛ این مؤلفه‌ها عبارتند از: مؤلفه‌های سیاسی - امنیتی، مؤلفه‌های اقتصادی، مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی، مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی. نتایج مؤلفه‌ها در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. تأثیرگذاری عوامل بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه

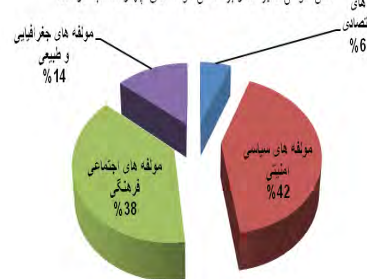
مؤلفه‌ها	مجموع امتیازات	درصد امتیازات هر مؤلفه به کل امتیازات
اقتصادی	۱۴۸	۵/۹۷
سیاسی - امنیتی	۱۰۲۹	۴۱/۵۷
اجتماعی - فرهنگی	۹۴۷	۳۸/۲۷
جغرافیایی و طبیعی	۳۵۱	۱۴/۱۹
میانگین	۶۱۸,۷۵	۲۵
جمع مؤلفه‌ها	۲۴۷۵	۱۰۰

نقش عوامل تأثیرگذار بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه



نمودار ۹. نقش مؤلفه‌ها در ایجاد بحران

نقش عوامل تأثیرگذار بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه (به درصد)



نمودار ۸. نقش مؤلفه‌ها در ایجاد بحران (درصد)

همان‌طور که در نمودارها نشان داده شده است، در مجموع مؤلفه‌های سیاسی - امنیتی با ۱۰۲۹ امتیاز (۴۲٪) بیشترین تأثیرگذاری را بر بحران‌های قومی این منطقه داشته‌اند. مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی با ۹۴۷ امتیاز (۳۸٪) از مجموع امتیازات در رده دوم قرار دارد. مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی با ۳۵۱ امتیاز (۱۴٪) در رده سوم و در نهایت مؤلفه‌های اقتصادی با ۱۴۸ امتیاز (۶٪) در مرتبه چهارم قرار دارند. قابل ذکر است مؤلفه‌های سیاسی امنیتی و اجتماعی فرهنگی در مجموع تأثیرگذاری‌شان بیشتر از میانگین کلی بوده است. بنابراین ضروری است که در تدوین برنامه‌ریزی در جهت تدوین سیاست‌های قومی به این مؤلفه‌ها توجه بیشتری شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با نگاهی به جداول و نمودارهای به‌دست آمده و تطبیق آن‌ها با بحران‌های قومی در کردستان، این نتیجه منتج خواهد شد که بحران‌های قومی در کردستان نتیجه عوامل متعددی بوده است که در طول زمان بستری برای ظهور پیدا کرده‌اند. چنانچه با یک تحلیل عمیق به موضوع نگاه شود نتایج زیر به‌دست آمده است.

۱. در مجموع به لحاظ میزان تأثیرگذاری عوامل بحران‌ساز، مؤلفه‌های سیاسی امنیتی تأثیرگذارترین مؤلفه در ایجاد بحران‌های قومی در کردستان بوده‌اند. با نگاهی به عوامل تأثیرگذار در زیر مجموعه‌های این مؤلفه به ترتیب عوامل زیر بیشترین تأثیرگذاری را داشته‌اند و در مجموع حاصل کنش و واکنش‌های این عوامل بوده است که مؤلفه‌های سیاسی امنیتی در صدر بحران‌سازترین مسائل کردستان مطرح بوده است.

اولین عامل تأثیرگذار در این تقسیم‌بندی که به عنوان تأثیرگذارترین عامل از بین عوامل ۲۰ گانه شناخته شده است، نقش «نخبگان قومی» بوده است. این عامل ریشه در بحران‌های متعددی دارد که در کردستان رخ داده است. ریشه‌دار بودن و سابقه طولانی مسائل قومی در این منطقه منجر به ظهور طبقه اجتماعی نخبگان و روشنفکران قومی در طول زمان شده است. نخبگان قومی در کردستان، گردانندگان اصلی بحران‌های قومی بوده‌اند و در فراز و فرود جنبش‌های منطقه نقش اساسی ایفا کرده‌اند. می‌توان گفت این عامل به عنوان یک عامل ریشه‌ای در بحران‌های منطقه مطرح بوده و خواهد بود. البته باید گفت در اوائل انقلاب به غیر از نخبگان قومی، نخبگان غیرقومی در منطقه نیز تأثیرگذار بودند اما در سال‌های بعد میزان حضور و شدت تأثیرگذاری آن‌ها به شدت کاهش یافته است. عامل تأثیرگذار دیگر در بین مؤلفه‌های فوق دخالت نیروهای خارجی در بحران‌های قومی کردستان است. شاید این جمله که مسائل کردستان همواره بین‌المللی‌تر از تمامی مناطق قومی ایران است اشتباه نباشد. از مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای گرفته تا دخالت همسایگان، همواره دخالت‌های خارجی را در کردستان نمایان می‌سازد. عامل مهم دیگر در بین مؤلفه‌های سیاسی - امنیتی که در شکل‌گیری بحران در منطقه نقش داشته است،

شرایط خاص دوران گذار بوده است. نکته مهم و کلیدی در این بحث این است که: تمامی بحران‌های قومی در ایران به ویژه کردستان همواره تابعی از قدرت مرکزی بوده است. یعنی با فراز و فرود قدرت دولت مرکزی بحران‌های قومی نمایان شده‌اند. به عبارتی رابطه‌ای معکوس بین قدرت دولت مرکزی با بحران قومی شاهد بوده‌ایم. یعنی با افزایش قدرت دولت شاهد کاهش بحران و با کاهش قدرت دولت مرکزی شاهد افزایش بحران در مناطق قومی بوده‌ایم. این مسئله بسیار مهم است که بایستی مورد توجه برنامه‌ریزان مسائل قومی قرار گیرد. سایر عوامل در این بخش (مؤلفه‌های سیاسی-امنیتی) تقریباً تحت تأثیر این سه عامل قرار داشته‌اند.

۲. مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی به لحاظ تأثیرگذاری بر بحران‌های قومی در رتبه دوم قرار دارند. عمده‌ترین عامل تأثیرگذار در این بخش پیشینه و نمادنگاری قومی است. بحران‌های قومی در کردستان همواره بخشی از مسائل و زمینه‌های خود را از پیشینه و گذشته خود گرفته‌اند. عامل تأثیرگذار دیگر در این بخش، کسب هویت قومی است. قابل ذکر است که برعکس کردستان و بسیاری از نقاط دیگر در کردستان مسائل قومی هویت‌ساز و ناسیونالیسم قومی ارجحیت بیشتری از مسائل مذهبی و عقیدتی داشته‌اند. گرچه این منطقه تفاوت مذهبی با مرکزیت کشور دارد اما عامل مذهبی به طور مستقل نقش بارزی در واگرایی نداشته است اما همواره در نقش یک مکمل بازی کرده است. و کسب هویت جمعی قومی از اهداف کردها به ویژه ناسیونالیست‌های کرد بوده است. سایر عوامل اجتماعی فرهنگی مثل تضعیف نظام قبیله‌ای و عشایری، تأثیر فرآیند نوسازی و تبعیض اجتماعی از جمله مسائل مهم و ریشه‌ای در بحران‌های قومی کردستان است که نقش و تأثیر آن‌ها به مراتب کمتر از عوامل پیشین بوده است.

۳. مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی به لحاظ میزان تأثیرگذاری در رتبه سوم قرار دارند. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در این بخش موقعیت ژئوپلیتیکی و امتدادیافتگی قوم کرد در آن سوی مرز است. کردها طی چندین فرآیند تاریخی تکه تکه شده و بین کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شده‌اند. این ویژگی و داشتن عقبه فکری در خارج از مرزهای بین‌المللی و شیوه استقرار آن‌ها یکی از عوامل تأثیرگذار در این بخش بوده است. عامل مهم دیگر، بی‌عدالتی جغرافیایی و توسعه نامتوازن است. متأسفانه مناطق قومی ایران به ویژه کردستان به لحاظ شاخص‌های توسعه در وضعیت مناسبی قرار ندارند و میانگین توسعه در این مناطق پایین‌تر از میانگین ملی است. یک عامل مهم دیگر که این وضعیت را کامل می‌کند تا مؤلفه‌های جغرافیایی و طبیعی در نقش عوامل بحران‌ساز مطرح باشند، کوهستانی بودن منطقه است. ویژگی‌های پیچیده توپوگرافیک مناطق کردنشین زمینه مناسبی را برای رشد و تداوم جریانات بحران‌ساز به وجود آورده‌اند، چرا که در گذشته امکان تسلط دولت مرکزی بر این مناطق سخت بوده است و این

ویژگی منحصر به فرد خود یکی از عوامل تداوم بحران در کردستان بوده است.

۴. مؤلفه‌های بعدی در این تقسیم‌بندی، مؤلفه‌های اقتصادی هستند. اما باید توجه داشت، این عوامل شاید از عوامل شکل‌گیری بحران اولیه در کردستان نقش بارزی نداشتند اما باید توجه داشت، یکی از عوامل اصلی تداوم بحران‌ها به حساب می‌آمده است. پدیده محرومیت نسبی گرچه زیر مجموعه‌های متعددی دارد و از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود اما محرومیت اقتصادی عاملی تعیین‌کننده در جهت ایجاد بحران قومی تلقی شده است. گسترش پدیده‌هایی همچون فقر، بیکاری و محرومیت اقتصادی بستری را برای ناهنجاری‌های اجتماعی و نافرمانی‌های مدنی فراهم می‌سازد. رهبران جنبش‌های قومی همواره از وضعیت معیشت نامناسب افراد سوءاستفاده کرده و زمینه را برای بسیج قومی مهیا می‌سازند.

وضعیت اقتصادی در کردستان گرچه اختلافات فاحشی با اوائل انقلاب داشته است و منجر به رشد و توسعه نسبی در منطقه شده است، اما می‌توان گفت هنوز با یک وضعیت مناسب و ایده‌آل فاصله زیادی دارد. وضعیتی که امروزه نیازمند جدیت و تلاش مسئولین کشور است. وضعیتی که منجر به توجه بیشتر در توسعه اقتصادی منطقه خواهد بود، توسعه اقتصادی در طرف دیگر مرز یعنی مناطق کردنشین عراق خواهد بود. این مناطق که بعد از تحولات سال‌های اخیر وضعیت مناسب‌تری نسبت به گذشته پیدا کرده‌اند، ممکن است در آینده موازنه را به سمت کردستان عراق سنگین‌تر نموده و نوعی مقایسه‌گرایی را در منطقه به وجود آورد که چرا کردستان عراق به لحاظ اقتصادی که در گذشته به مراتب پایین‌تر از کردستان ایران بود این قدر توسعه پیدا کرده است؟ به همین دلیل جهت از بین بردن بسترهای بحران، منطقه نیازمند توسعه اقتصادی و زیربنایی است و تا توسعه پیدا نکند بحران و ناامنی وجود خواهند داشت. برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشوری باید به سمتی حرکت نمایند که در یک برنامه میان‌مدت این استان را به لحاظ توسعه‌یافتگی حداقل به سطح استان‌های درجه دو کشور مثل همدان یا... رساند، و گر نه عدم توسعه‌یافتگی استان در آینده یک عامل بحران‌ساز تلقی می‌گردد. بنابراین همان‌طور که بحث شد، عوامل متعددی در شکل‌دهی و ایجاد بحران در منطقه اهمیت دارند که ضرورت دارد با نگاهی همه‌جانبه و فراگیر به بررسی و شناخت عوامل مربوطه پرداخت تا بتوان با ایجاد یک استراتژی کلان در سه بخش (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) اثرات این عوامل را تخفیف و کاهش داد. نکته مهم اینکه توجه به عوامل اجتماعی-فرهنگی قوم کرد در این منطقه و توجه به اشتراکات آن‌ها با مرکزیت کشور و ایجاد زمینه برای توسعه اقتصادی و از بین بردن فقر در این مناطق می‌تواند در کنار توجه به عوامل و مؤلفه‌های سیاسی-امنیتی بخشی از بحران‌های موجود را از بین ببرد.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت*. تهران: نشر نی.
- الطایی، علی (۱۳۸۲). *بحران هویت قومی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر شادگان.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۸۰). بررسی علل گونه‌گونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳(۱)، ۱۳-۳۵. بازیابی از <http://www.rjnsq.org/Archive/Quarterly12/P-9-1-A-F.pdf>
- امیراحمدی، بهرام (۱۳۷۱). سیاست‌های ملی و توسعه نابرابر مناطق در ایران. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال ۱۱. شماره اول و دوم.
- تیموئی، دی سیسک (۱۳۷۹). *تقسیم قدرت و میانجگری بین‌المللی منازعات قومی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۷۲). *علت تداوم بحران کردستان بعد از انقلاب اسلامی*. تهران: وزارت خارجه
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۰). مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست‌های قومی در ایران. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*. شماره ۳. ویژه مسائل اجتماعی در ایران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.
- شانه‌چی، محسن (۱۳۸۴). علل گوناگونی در ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال سوم. شماره ۹.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). *مدیریت منازعات قومی در ایران*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- کاظمی‌تاری، تقی (۱۳۸۹). *جنبه‌ها و ابعاد امنیتی اقوام و مذاهب*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز تألیف کتاب‌های درسی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲). *تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها*. تهران: موسسه مطالعات ملی.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۰). رهیافت نظری تحلیل رقابت سیاسی و وفاق اجتماعی در ایران. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳(۳)، ۱۰۱-۱۲۲. بازیابی از <http://www.rjnsq.org/Archive/Quarterly12/P-9-4-A-F.pdf>
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰). *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی* (هوشنگ نائینی، مترجم). تهران: نشر نی.
- سایر منابع برای مطالعه بیشتر:** پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- اسمیت، آنتونی دی. (۱۳۷۷). *ناسیونالیسم* (منصور انصار، مترجم). تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: پاپلی (پژوهشکده امیر کبیر).
- زند، ابراهیم (۱۳۸۶). الگوی سیاست قومی در ایران. *فصلنامه فرهنگ و اندیشه*.
- عبدی، عطاءاله (۱۳۸۹). *بررسی سیاست‌های قومی در کشورهای چند قومیتی*. (رساله دکترای). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- قمری، داریوش (۱۳۸۴). *تحول ناسیونالیسم در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.